

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

یونس نگاه- کابل

۲۷ اکتوبر ۲۰۱۹



مهاجرت

در مهاجرت خیال ناقرار آدمی کمتر از عقل حسابگرش نقش ندارد. بخشی از مهاجرت گریز از جنگ و گرسنگی و آینده نامعلوم است، اما به مسیری که راه می‌افتیم تخیل بیشتر از عقل چراغ راه ما می‌شود. ما در خانه عزیزی که تمام دیوارهای بلند و سنگ‌های سختش را می‌شناسیم و محدودیت‌ها را مثل کف دست خود بلدیم، ناقرار می‌شویم و دوست داریم به جایی پناه ببریم که مثل کودکی همه چیز خیال‌انگیز و مبهم باشد تا کشف کنیم، خیال‌پلو بزنیم و انگیزه برای دویدن و تپیدن داشته باشیم. به همین دلیل اصفهانی به هرات پناه می‌برد، کابلی به دوشنبه و بامیانی به دهلی. هنگام پالیدن فرصت‌های تازه خیال قمچین به دست، عقل را از سخت‌ترین راه‌ها و چقرترین چاله‌ها گذر می‌دهد. بعدها در محیط تازه کم کم هوا روشن می‌شود، غبار ابهام از روی محیط دور می‌شود و دیوارها و سنگ‌ها آشکار می‌گردد. تخیل کنار می‌رود و عقل آستین بالا می‌زند تا از نو پایگاه و جایگاهی بسازد. هر جا عقل حسابگر به محاسبات وحشتناک رسید، دوباره خیال بر می‌گردد و لگام جان و تن آدم را به دست می‌گیرد. این بار نوستالژی سادگی‌های گذشته و سفر به وطن زنده می‌شود. در لندن و برلین و سدن وقتی از کار سخت، مالیات سنگین، مزد کم و پروسه جانکاه ادغام فرهنگی - اجتماعی به تنگ آمدیم، خیال ما را به پیتو و صندلی ساده زمستان کابل و غزنی، سایه خنک ارغنداب، بزچرانی بامیان و بی‌خیالی پنجشیر می‌برد. مهاجرت صحنه کشتی‌گیری عقل و تخیل است.